

مقاومت قرن

معامله قرن هرگز اتفاق نخواهد افتاد.
آمریکا و دنباله هایش حتما این بار هم شکست خواهند خورد. ۹۸/۳/۸



✍ طرح دولت آمریکا برای یهودی سازی فلسطین است که اخیراً جزئیاتی درباره آن منتشر شده است. البته آمریکا هدف خود را از این طرح، برقراری صلح بین رژیم صهیونیستی و فلسطین بیان میکند.

براساس اخبار منتشر شده از این طرح، در سرزمین فلسطین دو کشور مستقل تشکیل میشود؛ کشور فلسطین شامل نوار غزه، مناطقی از کرانه باختری، تعدادی از محله های شرق بیت المقدس و قسمتی از صحرای سینا و باقی نیز کشور اسرائیل به مرکزیت بیت المقدس خواهد بود. همچنین معبری برای تردد فلسطینیان به مسجدالاقصی در نظر گرفته خواهد شد. بنابراین رژیم صهیونیستی حق قانونی بر اراضی فلسطین پیدا می کند و مردم فلسطین حق بازگشت و باز پس گیری سرزمین خود را ندارند. شاید لحن قلدر مآبانه آمریکا در اهدای بخشی

از خاک مصر (صحرای سینا) به فلسطین کمی عجیب به نظر برسد . رئیس جمهور مصر در حال حاضر عبد الفتاح سیسی است که با کودتای نظامی قدرت را در دست گرفت .

سیسی تحصیلات نظامی خود را در انگلستان به پایان رسانده و در آمریکا آموزش های ویژه ی اطلاعاتی را پشت سر گذاشته است . راضی کردن او برای اهدای خاک مصر با وعده خوش رنگ و لعاب آمریکایی، کار چندان دشواری به نظر نمی رسد .

بر اساس دیگر بند های این طرح ، فلسطین حق داشتن ارتش و نیروی نظامی ندارد و حماس باید سلاح های خود را تحویل دهد . فلسطین با از دست دادن نیروی نظامی عملاً هیچ قدرتی برای باز پس گیری حق خود و حتی دفاع از خود را از دست می دهد.

آمریکا هدف خود را از این طرح صلح بیان می

کند. اما آنچه در پس این ماجرا می گذرد، با شعار آن بسیار متفاوت است .

پذیرش این طرح می تواند باعث افزایش قدرت دیکتاتوری های منطقه با حمایت آمریکا شود و قدرت و نفوذ آمریکا در منطقه افزایش می یابد و برای محقق کردن اهداف خود در منطقه دیگر نیاز به ساخت امثال داعش را ندارد و به طور ظاهراً قانونی و مشروع عمل می کند . همچنین به زودی در بحرین اجلاسی جهت جذب سرمایه گذار برای توسعه ی فلسطین برگزار خواهد شد .

این نیز بیشترین شوی تبلیغاتی است تا یک آینده ی درخشان را برای ملت فلسطین به نمایش بگذارد . اما مردم فلسطین که از اصل ماجرا آگاه اند مقابل این طرح خواهند ایستاد ؛ « معامله قرن هرگز محقق نخواهد شد ، آمریکا و دنباله هایش حتماً این بار هم شکست خواهند خورد. (۹۸/۳/۸) »





اینجانب نمی توانم از جبهه ای ها (جبهه ملی) و نه از بزرگشان (مصدق) اسمی ببرم و ترویجی بکنم. راه آنها با ما مخالف است.

امام خمینی (ره) / ۳۰ مرداد ۵۸

مصدق

قسمت آخر

مصدق هم مسلم نبود و اگر مانده بود، سیلی بر اسلام می زد...!

صحیفه امام، ج ۱۴ ص ۴۵۷

کودتای ناموفق، انقلاب مردم

پس از حوادث پشت سرهم تاریخ مصدقی ایران و اتفاق عجیب قسمت قبل، که به آن اشاره شد، پروژه افول محمد کلید می خورد. محمدرضا، با استفاده از شرایط، تصمیم به کودتا می گیرد. اما، دیر شده بود. ارتشی های حامی مصدق با خبر شده و کودتا عملاً لو رفت. شاه به عراق فرار می کند و از آنجا نیز راهی رم می شود. مردم از گوشه و کنار می ریزند و در بهارستان تجمع می کنند. و شعار پشت شعار. علیه محمدرضا شاه. مجسمه های شاه گایین کشیده می شد. نوعی انقلاب در حال انجام بود! نطق ها و سخنان آن حوالی شنیدنی ست اما، بگذاریم ...

آمریکا با احساس خطر، وارد صحنه آشوب می شود مصدق با نماینده آمریکا دیدار می کند. نماینده آمریکایی این چنین حکم صادر می کند: برای جلوگیری از نفوذ شوروی و حزب توده، مردم

باید از خیابان ها جمع بشوند! مصدق نیز قبول می کند. اعتراضات می خوابد اما، محمد نمی دانست چه نقشه ای پشت سر است. بعد از خوابیدن اعتراضات و انقلاب اما، سران آمریکایی نخوابیده بودند!

شعبان بی مخ و کودتایی دیگر

با ورود شعبان جعفری یا همان شعبان بی مخ! - که بعثت شرارت، تحصیل را رها کرد و به این نام معروف و مفتخر شد! - از سر دسته های اوپاش محله سنگلج تهران به معادلات، کودتا رسماً کلید می خورد. شعبان با حمایت آمریکایی ها دست به شورش و قرق خیابان ها می زند. کودتایی که بعدها به نام تاریخ انجام اش، تاریخی می شود. کودتای ۲۸ مرداد. با طرح و حمایت سازمان اطلاعات مخفی بریتانیا (اس آی اس) و آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)

و با همراهی ارتش شاهنشاهی ایران و کمک طرفداران محمدرضا پهلوی (امثال شعبان بی مخ ها). این کودتا در آمریکا بنام عملیات آژاکس شناخته می شود. چند ساعت بعد از شروع کودتا، برنامه های رادیو قطع می شود. یک نفر پشت تریبون قرار می گیرد: «الو! الو! اینجا تهران، مردم! خبر بشارت آمیز. چند دقیقه دیگر سرلشکر زاهدی، نخست وزیر، پیام شاهنشاه را برای شما قرائت می کند. مردم شهرستان های ایران بیدار و هوشیار باشید. مصدق خائن فرار کرده است... مردم، حسین فاطمی را قطعه قطعه کرده اند...!»

مصدق با دولت اش سقوط می کند. و خودش هم روانه بازداشت می شود. اعتمادی که اعتبار و اقتدار مصدق تاریخ ایران را به باد فنا می دهد. گرفتاری به فرد گرایی و اسارت در خودخواهی را نیز، تقویم های تاریخ برای

مصدق شهادت می دهند. سرانجام پس از ۳ سال انفرادی، به روستای احمدآباد (محل زادگاه خود) تبعید می شود. چرخ زدن در حوادث زندگی مصدق اما، یک چیز را به حاشیه برد. {نفت} عنصری که نزدیک ترین حافظه را از مصدق تداعی می کند. راستی سرنوشت نفت، چه شد؟! نفت بعد از ملی شدن و برکناری مصدق، در عمل، نیمی از سود اش به جیب دولت و باقی آن، به کیسه شرکت های نفتی می رود. و این یعنی همان قرارداد الحاقی نفت! و این پایان بسیار مختصری بود بر داستان پر از نکته و عبرت مصدق السلطنه درحافظه تاریخی و سیاسی کشورمان. به امید آنکه قدمی ولو کوچک در راستای توصیف و تبیین آن حوالی و آن شرایط برداشته شده باشد.

شجاعت در فهم

اگر شجاعت نبود در فهم مسائل هم خلل به وجود می آمد. ترس از حرف مردم، ترس از جو علیه مان، ترس از مال و جان و آبرو و... از جمله مواردی هستند که گاهی انسان به خاطر این ترس ها و این که مثلاً اگر فلان حرف را بزنیم، مردم علیه-مان خواهند بود. به خاطر این ملاحظات، نمی تواند مسئله را درست درک کرده و تحلیل کند و این موجب اشتباه می گردد. فلذا {ولا یخشون احدا الا الله} یعنی از احدی جز خدا نمی ترسند؛ خیلی مهم است

خداوند در سوره مبارکه احزاب/ ۳۹ شرط ابلاغ و تبلیغ را همین عدم خشیت و ترس از غیر خدا می داند. ممکن است بگویی اگر این کار را بکنم ممکن است در دنیا سرم کلاه برود اما خداوند می فرماید {و کفی بالله حسیبا} یعنی خودت را به خداوند واگذار و بگذار خداوند برایت محاسبه کند. اصلا همین فرقان (قوه تشخیص حق از باطل و درست از نادرست) را که خداوند در سوره مبارکه انفال/ ۲۹ وعده داده است دستاورد تقوا است و اگر این را کنار گذاشتیم و ترس از مردم جایگزین شد آن وقت فرقان وعده داده شده نیز پیدا نخواهد شد.

ملاحظه حرف مردم، ملاحظه چیزی را که خواهند کرد، ملاحظه تهمتی که خواهند زد را نباید کرد که همانا خداوند سزاوارتر است که از او بترسیم {والله احق ان تخشاه} و این شجاعت یکی از اصول تحلیل صحیح مسائل و اتفاقات می باشد.



این جاری شدن دین در زندگی مردم، همان مقدمه ساختن جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است که نقطه مقابل تمدن غرب است. و این همان یک قدمی ظهور است. تمدنی باید ساخته شود که مردمان جهان خواستار آن شوند تا مقدمه ای شود برای ظهور امام زمان (عج) برای تشکیل حکومتی که معادلات مستکبرین جهان را برهم می زند و قطعا این چیزی نیست که آن ها بخواهند. چرا که شروع این جریان و به ثمر نشستن آن یعنی پایان عمر آنان. حال درک این موضوع که چرا این دشمنی تا این حد ادامه پیدا کرده است و اینکه چرا در این حد منطقه خاورمیانه در جنگ و آشوب است، راحت تر درک شود. مقاومتی که چه مردم ایران و چه مردم منطقه به ویژه در عراق و سوریه و فلسطین از خود نشان داده اند قابل تقدیر است و حقیقتا کلمات از توصیف آن عاجز و درمانده اند.

در شماره های بعدی مطالب بیشتری از نقش مردم منطقه و علت اتفاقات در آن بیان خواهد شد.

ادامه دارد.....

در مسیر ظهور

ظهور...

مدینه فاضله...

حکومت صالحان...

و در یک کلام، آینده بشریت، موضوعی که همواره در ذهن و زندگی انسان بوده و کمتر کسی می تواند ادعا کند که در طول زندگی خود به آن فکر نکرده است. زندگی انسان قرن ۲۱، به گونه ای رقم خورده است که شاید با اطمینان بتوان گفت همان مردم آخرالزمان که در احادیث و روایات آمده است، همان مردمانی هستند که در حال حاضر و در این دوره زندگی می کنند. از تطبیق نشانه هایی که در احادیث گفته شده است بگذریم و چه بهتر که اصلا خود را درگیر تطبیق این نشانه با آن نشانه نکنیم چرا که از وظیفه اصلی غافل می شویم. یکی از جریان های اصلی که در نیای امروز حاکمیت دارد و چه بسا تمدن خود را نیز تشکیل داده است، مکتب لیبرالیسم می باشد و به گونه ای می توان گفت آخرین تلاش های فکر بشری برای هدایت به نحو احسن جامعه که حاصل ناامیدی از سایر مکاتب قبلی است، می باشد.

در مقابل انقلاب و حکومتی در گوشه ای از جهان شروع به درخشیدن کرد که شاید انوار آن به دلیل وجود برخی از ناهلان کم رنگ دیده شود ولی از تأثیرات آن نمی توان چشم پوشی کرد. شاید با خود پرسید این مسائل چه ربطی به ظهور دارد؟ اتفاقا اگر کسی بخواهد ظهور را درک کند و خود را منتظر بنامد و به وظایفش عمل کند، باید چگونگی ظهور را درک کند. اصلا چگونه امام باید ظهور کند؟ که قطعا سوالات به همین یک نمونه خلاصه نمی شود. برای اینکه به جواب همان یک سوال برسیم، باید از کشور

و انقلاب خودمان شروع کنیم. می توان حساب حکومت و نظامی که بعد از انقلاب در ایران تشکیل شد را از کل نظام های حاکم بر دنیا جدا کرد. انقلابی که در این حد دشمن و بدخواه دارد شاید یک مقدار اغراق آمیز به نظر برسد ولی یک حقیقت است که هیچ انقلابی تا این حد علیه خود دشمن نداشته است آن هم در این مدت زمان طولانی یعنی چهل ساله اول بعد از پیروزی انقلاب.

مگر اسلام قبل از انقلاب با اسلام بعد از انقلاب تفاوتی داشته است؟ مگر احکام و قوانین تغییری کرده است؟ مردم قبل از انقلاب مگر دیندار نبودند؟ حال از چپاول های منابع کشورمان بگذریم چه چیزی در این وسط تغییر کرده است که تا این حد دشمنان را به تکاپو واداشته است که این تکاپو و دشمنی، چهل سال ادامه پیدا کرده است؟

آنچه تغییر کرده است جهان بینی و مسیر حرکت مردم است. آنچه تغییر کرده است، جریان یافتن دین در زندگی مردم است. دین فقط نماز و روزه و ظواهر دین نیست. دین همان بصیرتی است که مردم دارند. و این بصیرت و

جنبش اجتماعی

بیانات امام

همه ما در رابطه با گذشته کشورمان کم و بیش اطلاعاتی به گوشمان خورده است، چه بسا در حد کتاب تاریخ مدرسه. با نگاهی گذرا و کلی به تاریخ صده اخیر کشور به وجود حرکت های اجتماعی بزرگ و کوچک پی میبریم که این حرکت ها در انقلاب اسلامی ۵۷ متفاوت از گذشته بروز پیدا کرد و قدمی مهم برداشته شد تا شروعی بر تحرکات عمومی به سمت اهداف جدید و والاتر شود. خب، ما امروز هم به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم انداز نیاز داریم؛ البته این حرکت وجود دارد منتها بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم انداز محسوس باشد که این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است؛ منتها وقتی میگوییم جوان، منظور صرفاً جوان دهه های بیستی نیست؛ نه، سی ساله، چهل ساله، اینها هم جوانند، یعنی اینها هم اگر

متعهد باشند میتوانند در نظام مدیریت کشور یک تحول عظیمی را به وجود بیاورند. خب، حالا یک سؤال اینجا مطرح میشود که حرکت عمومی معقول و منضبط به چه چیز هایی نیاز دارد؟ خب وقتی میگوییم منضبط، یعنی حرکت، غوغا سالارانه و بلبشویی و مانند اینها نباشد؛ گاهی حرکت های عمومی با بلبشو و غوغا سالاری و مانند اینها همراه است؛ آنها ارزشی ندارد. و صحیح و منظم و عقلانی اگر بخواهد انجام بگیرد، به چند چیز نیاز دارد: اولاً نیاز دارد به اینکه از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد؛ یعنی این کسانی که این حرکت را انجام میدهند یا محور این حرکتند یا لاقفل تحریک کننده ی این حرکتند، بایستی صحنه را درست بشناسند، عناصر درگیر در این صحنه را بشناسند. امروز شما در کشور خودتان، میخواهید یک حرکت انجام بدهید؛ خب باید بدانید جمهوری اسلامی

امروز در چه وضعی است، با چه کسی مواجه است، فرصت هایش کدامها هستند، تهدیدهایش کدامها هستند، دشمنهایش چه کسانی هستند، دوستهایش چه کسانی هستند؛ این باید دانسته بشود و شناخته بشود. یک عنصر دیگری که لازم است برای این حرکت، این است که این حرکت باید یک جهت گیری مشخصی داشته باشد؛ یک جهت گیری منطقی و قابل قبول، که در حرکت عمومی ملت ایران که ما داریم پیشنهاد میکنیم و مطرح میکنیم، این جهت گیری، جهت گیری به سمت جامعه ی اسلامی یا تمدن اسلامی است عنصر سومی که این حرکت نیاز دارد، این است که یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد، یک نقطه ی روشنی باید وجود داشته باشد. در هر حرکتی اگر چنانچه این نقطه ی روشن، این نقطه ی امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمیرود. نقطه ی روشن عبارت

است از ظرفیتهای ملی ای که ما اینها را شناخته ایم؛ یعنی امروز حتی شما جوانها ظرفیتهای ملت خودتان را شناخته اید. ملت ایران نشان داده که میتواند کارهای بزرگ را بخوبی انجام بدهد، از عهده برپاید؛ ملت ایران انقلاب را راه انداخت، تشکیل جمهوری اسلامی را (در دنیای دوقطبی کاپیتالیسم و کمونیسم آن روز) راه انداخت؛ اینها مثل معجزه است. عنصر چهارم این است که بالاخره در هر برهه ای راهکارهای عملی لازم است. در هر برهه ای از زمان راهکارهای عملی مورد نیاز است. خب سوال اصلی که میتواند به ذهن جوان دانشجو خطور کند این است که است که است که بالاخره راهکار عملی برای اینکه ما بتوانیم به عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست؟ که به این سوال در شماره بعدی پاسخ داده خواهد شد.



عبدالله
- رهبرانقلاب اسلامی
۱ خرداد ۱۳۹۸

یادداشتی بر دیدار رهبرانقلاب با جمعی از دانشجویان

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

اعضای هیئت تحریریه: کمالی - غفاری - میرعلی - بتویی - جلیوند - طرف ساز

نشانی

تارنمای بسیج دانشجویی:

www.bs-tbztmed.ir

شناسه

ارتباطی فضای مجازی:

[@bs_ghotbnema](https://www.bs-ghotbnema.com)

کانال در

سروش و ایتا:

[@bs_tbztmed](https://www.bs-tbztmed.com)

پیشنهادات و انتقادات خود را با ما در میان بگذارید